

Evaluation of "Oliver Lehman's" point of view in the personality of Hazrat Yusuf

(Received: 2024-06-01 Acceptance: 2024-06-13)

Majid Maarif¹, Mohammad Javad Herati², Elham Sadat Hijazi³

Abstract

The second Qur'anic encyclopedia from Westerners is the Encyclopaedia of the Holy Qur'an edited by Professor Oliver Lehman. In this encyclopedia, under the entry of "Love", the author has also discussed "Surah Yusuf". The author of this entry has a romantic understanding of this surah as he has included this surah under the love section. In this article, in addition to evaluating the writing of Surah Yusuf in this encyclopedia, in line with the criticism of this encyclopedia from the perspective of a one-sided view of the verses of the Qur'an, some political-social approaches from Surah Yusuf have been presented. First the strengths and then the weaknesses of this writing are stated. The result of the criticism of this encyclopedia is that by considering the verses 54 and 55 of Surah Yusuf, the concept of love is excluded from this Surah, and considering the position of Prophet Yusuf as a prophet, not only this romantic concept is wrong and unjust. It is the position of that Prophet, but the correct approach will be the socio-political approach, and that is the resourcefulness of Prophet Yusuf, considering the two characteristics of "Makin" and "Amin" in the verses. This is the important thing that is missed in Oliver's encyclopedia.

Key words: Encyclopaedia of the Holy Quran, Oliver Lehman, socio-political approach, Surah Yusuf, entry of love

1. Professor of the Qur'an and Hadith Department, Faculty of Theology, University of Tehran, Iran (corresponding author). Maaref@ut.ac.ir

2. Doctoral Student of Quran and Hadith, Usuluddin Faculty, Tehran, Iran. m.harati@basu.ac.ir

3. Doctoral Student of Quran and Hadith, Usuluddin Faculty, Tehran, Iran. hejazi1399130197@gmail.com

ارزیابی دیدگاه «اولیور لمن» در شخصیت‌شناسی حضرت یوسف

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۴)

مجید معارف^۱

محمد جواد هراتی^۲

الهام سادات حجازی^۳

چکیده

دومین دایرةالمعارف قرآنی از سوی غربی‌ها دانشنامه‌ی قرآن کریم با سرویراستاری پروفسور اولیور لمن است. در این دانشنامه ذیل مدخل «عشق» نویسنده به «سوره یوسف» نیز پرداخته است. نویسنده‌ی این مدخل همان‌طور که این سوره را ذیل مدخل عشق آورده برداشتی عاشقانه از این سوره داشته است. در این مقاله علاوه بر ارزیابی نگاشته‌ی سوره‌ی یوسف در این دانشنامه، در راستای نقد این دانشنامه از منظر نگاه یکجانبه به آیات قرآن، به ارائه برخی رویکردهای سیاسی-اجتماعی از سوره یوسف پرداخته شده است. ابتدا نقاط قوت و سپس نقاط ضعف این نگاشته بیان شده است. حاصل نقد این دانشنامه چنین است که با در نظر گرفتن آیات ۵۴ و ۵۵ سوره یوسف، تصور و برداشت عاشقانه از این سوره منتفی می‌شود و با توجه به جایگاه پیامبری و نبی بودن حضرت یوسف نه تنها این برداشت عاشقانه غلط و جفا در حق جایگاه آن حضرت است بلکه رویکرد صحیح آن رویکرد سیاسی-اجتماعی خواهد بود و آن مدبر بودن حضرت یوسف با توجه به دو ویژگی «مکین» و «امین» در آیات است. این مهم چیزی است که در دانشنامه اولیور لمن مغفول مانده است.

واژه‌های کلیدی: دانشنامه قرآن کریم، اولیور لمن، رویکرد سیاسی-اجتماعی، سوره یوسف، مدخل عشق

۱. استاد گروه قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه تهران، ایران (نویسنده مسئول).

Maaref@ut.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری قرآن و حدیث، دانشکده اصول الدین تهران، ایران. m.harati@basu.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری قرآن و حدیث دانشکده اصول الدین تهران، ایران. hejazi1399130197@gmail.com



۱- بیان مسأله

یکی از مدخل‌های دانشنامه قرآنی اولیورلمن از پژوهشگران غربی درباره حضرت یوسف است. در این مدخل سوره یوسف بیش‌تر از نگاه روابط عاشقانه نگریسته شده و این روابط عاشقانه در دو جهت، بین زلیخا و حضرت یوسف از یک طرف، عشق یعقوب به یوسف از طرف دیگر است. ممکن است این مطلب تا اندازه‌ای صحیح باشد ولی تبعاً نگاه کاملی به شخصیت‌شناسی حضرت یوسف نیست بلکه باید بررسی کرد که چه نواقص و اشکالاتی بر آن وارد است. این مقاله بر آن است که با بررسی دیدگاه اولیورلمن مشخص سازد که دیدگاه او تا چه اندازه در شناخت شخصیت حضرت یوسف یا محتوای سوره یوسف کامل است و اگر نواقصی دارد این نواقص از چه روست و جنبه‌ی تکمیلی آن چه می‌باشد.

۲- مقدمه

۱-۲. معرفی اولیورلمن و دانشنامه قرآنی او

کتاب دانشنامه قرآن کریم دومین دایرةالمعارف نگاشته شده توسط مستشرقان پیرامون قرآن کریم است که با سر ویراستاری پروفیسور اولیورلمن در سال ۲۰۰۵ م در آمریکا نوشته شد و در یک جلد به چاپ رسید. (ر.ک رضایی اصفهانی و اعتصامی، ۱۳۸۸: ۶۷-۷۲)

انگیزه تألیف از زبان مؤلف

«قرآن (کریم) منبع الهام است برای یکی از بزرگ‌ترین ادیان جهان (اسلام) که بیش از یک میلیارد نفر پیروان دارد. آن (قرآن) نقش محوری در اسلام بازی می‌کند و از زمانی (چهارده قرن پیش) که نازل شده، موضوع بحث و گفت‌وگوهای شدیدی بوده است. برخی از بحث و گفت‌وگوکنندگان در مورد آن مسلمان، برخی دشمن و معاند و برخی افراد بی تفاوت نسبت به اسلام بوده‌اند و همین امر سبب پدیداری دیدگاه‌های خیلی گسترده‌ای شده است». (همان: ۳۱)

اهداف کتاب از زبان مؤلف

۱. «هدف این دایرةالمعارف، ارائه نظرها و دیدگاه‌ها، و روش‌ها و گرایش‌های متنوع است؛ تا این که آن عکس‌العمل شدیدی را که این متن (قرآن) در طول تاریخ برانگیخته و ایجاد نموده، منعکس بکند.

۲. این دایرةالمعارف تک جلدی به عنوان یک منبع قوی در اختیار دانش‌پژوهان و محققان قرار می‌گیرد که بیانگر همه ابعاد متن (قرآن) و استقبال مردم از آن می‌باشد.

۳. امروزه «اسلام و قرآن» در اخبار زیاد مطرح می‌شوند و میان مردم بحث و گفت‌وگوهای عمومی فراوانی درباره آن‌ها انجام و آراء و نظریات زیادی مطرح می‌شود؛ بی‌آن که آنان راجع به این موضوع از فهم یا پشتوانه علمی زیادی برخوردار باشند.

۴. تلاش همه جانبه انجام گرفت تا این دایرةالمعارف بتواند برای خوانندگان در مطالعات قرآنی، به عنوان وسیله تحقیق و جست‌وجو، کمک کند». (همان: ۳۱)

مقدمه نویسند

«از سال‌ها پیش در این فکر بودم که یک کار تحقیقاتی قرآنی انجام دهم که برای متخصصان زیاد مفید باشد و در عین حال خیلی هم فشرده نباشد مانند بعضی کارهای ابتدایی؛ هدف این دایرةالمعارف پر کردن خلاء و فاصله می‌باشد که میان کتاب‌های علمی، تخصصی و کتاب‌هایی که بسیار ابتدایی‌اند، وجود دارد. حتی یک نگاه ابتدایی و سریع نشان می‌دهد که ما کار علمی را کنار نگذاشته‌ایم. اکثر موضوعات خیلی مفصل و قوی‌اند و تا حد زیادی به ظرافت‌ها و جزئیات موضوع می‌پردازند، ولی مدخل‌هایی هم هستند که مفاهیم و نظریات مربوط به خود را به طور مختصر و سربسته بیان می‌کنند.

این کتاب، لغت‌نامه قرآن نیست و سعی هم نشده است که هر گونه اصطلاحی را که در قرآن آمده است، توضیح بدهد. اصطلاحاتی برای بحث و بررسی انتخاب شده‌اند که نقش اصلی در فهم قرآن دارند. برخی را هم، گرچه زیاد محوری نیستند، ولی چون جالب بودند، آورده‌ایم. همچنین ما خواستیم به خوانندگان ذائقه‌ی جدیدی از روش‌های لغت‌نامه‌ها و قاموس‌ها ارائه دهیم تا استفاده مفیدی از آن داشته باشند و بدانند که چه توقعی از آن دارند.

نویسندگان این دایرةالمعارف پیشه‌های گوناگونی دارند. برخی مسلمان و عده‌ای غیرمسلمان هستند و گروهی نیز به هیچ چیز اعتقادی ندارند، اما همه درباره قرآن کنجکاوند. چون نویسندگان سوابق و پشتوانه اعتقادی مختلفی دارند، باید خوانندگان توقع داشته باشند که دیدگاه‌ها و نظریات وسیع و فراوان را در این دایرةالمعارف ببینند.

هرگز تلاش نکرده‌ایم حرف نهایی را درباره مسایل مطرح شده بزنیم؛ برعکس ویراستار گزارش‌های مخالف را هم در دایرةالمعارف گنجانده تا برداشت‌ها و تفسیرهای متفاوت راجع به آن موضوع را برای خوانندگان بیان نماید. این دایرةالمعارف تا حد زیادی برداشت‌ها، استظهارها و شرح و تفسیر متن عربی را - برای فهم بهتر قرآن - در بر دارد.



این دایرةالمعارف یک مجموعه از مدخل های قرآنی است؛ نه اسلام. البته به یقین و به طور قطع جدا کردن قرآن و اسلام از هم کار بسیار سخت و مشکلی است. این یک بحث و بررسی خوبی درباره اسلام است و همه مطالب به مواردی که روابط تنگاتنگ و نزدیک با قرآن دارند، مربوط نیست، ولی خوانندگان خواهند فهمید که به طور ظریف و غیرمستقیم به قرآن مربوط است.

این یک مشکل تفسیری است که کسی نمی داند، چقدر مجاز است مطالب را از بیرون بیاورد تا متن (قرآن) را تفسیر کند. خوانندگان خواهند فهمید که همین موضوع از سوی مفسران قرآن بسیار بررسی شده و دیدگاه ها و آرای متفاوتی در این زمینه ارائه شده است که باید در تفسیر از چه ابزارها و وسایلی استفاده و از کدام پرهیز کرد. خود این امر در حقیقت بیانگر مکتب های فکری، گرایش های اعتقادی و مذهبی در اسلام می باشد. واقعا تشخیص و تعیین این امر همیشه سخت است که در این گونه کارها (در تفسیر) باید از چه استفاده کرد و کدام را دور انداخت.

از یک سو، حتی همه موضوعات و مسایل مربوط به موضوع قرآن و مفسران را نیاورده ایم. از سوی دیگر کوشیده ایم راجع به برخی از مهم ترین موضوع ها، مفاهیم و شخصیت های مطرح در قرآن و مفسران، یک گونه راهنمای آسان ارائه دهیم.

بسیاری از مفسران مهم و متفکران در این (دایرةالمعارف) بررسی نشده اند و همه مفاهیم قرآنی مدخل جداگانه ای ندارند. هدف ما این نیست که درباره همه امور و موارد مربوط به قرآن، توضیح و راهنمایی کامل ارائه دهیم، ولی ما تلاش کرده ایم به مهم ترین مفاهیم، موضوعات، شخصیت ها و متفکران که نماینده مکاتب فکری و گرایش های مختلف تفسیری اند، توجه کنیم» (رضایی اصفهانی و اعتصامی، ۱۳۸۸: ۳۲-۳۳).

۲-۲. بیان محسنات و نواقص دانشنامه

برخی نقاط قوت این کتاب عبارتند از: توجه به مذهب شیعه و شخصیت های آن؛ ارائه بیشتر مدخل ها در قالب واژه قرآنی؛ زبان ساده و حجم کم مدخل ها. برخی نقاط ضعف این دانشنامه عبارتند از: توضیح ندادن شیوه انتخاب موضوعات؛ استفاده نکردن از نویسندگان متبحر در پژوهش های قرآنی؛ یکنواخت نبودن روش ارجاع مدخل ها؛ بررسی قرآن با روش های بررسی عهدین؛ دخالت دادن ذهنیت و پیش فرض های غیر علمی (ر.ک رضایی اصفهانی و اعتصامی، ۱۳۸۸: ۶۷-۷۲)

با توجه به اهداف این دانشنامه از زبان خود مؤلف، می‌توان نقدهایی را نسبت بدان وارد کرد از جمله:

۱. نویسنده بیان داشته هدف این دایرةالمعارف ارائه دیدگاه‌های متنوعی است که قرآن آن را بیان داشته است اما منظور نویسنده از دیدگاه متنوع قرآن دارای نوعی ابهام است. اگر بپذیریم قرآن دارای دیدگاه‌های متنوع است اما این نظر نویسنده در رابطه با نگاشته‌ی یوسف کاملاً مغایر است؛ زیرا قرآن نسبت به سوره‌ی یوسف رویکردی اجتماعی دارد و از این جهت نسبت به دیدگاه‌های دیگری که این سوره را رویکردی عاشقانه می‌داند از جمله دیدگاه نویسنده این دانشنامه، متنوع است و البته دقیق.

۲. نویسنده این دانشنامه را یک منبع قوی برای دیگران معرفی کرده است اما این قوی بودن با در نظر گرفتن محتوای مداخل این کتاب و از جمله مدخل عشق و نگاشته‌ی سوره یوسف، نگاه یکجانبه بودن نویسنده و تتبع نداشتن در منابع دیگر از جمله در منابع اسلامی و منابع شیعی و نیز نپرداختن به زوایای دیگر و حتی دیگر آیات سوره یوسف موجب برداشت غلط نویسنده از این سوره شده است.

۳. نویسنده اذعان می‌دارد که امروزه در اخبار درباره اسلام و قرآن نظریات زیادی مطرح است بی‌آنکه از پشتوانه‌ی علمی برخوردار باشند؛ اما همین عدم پشتوانه‌ی علمی بودن را در مداخل این دانشنامه و در نگاشته‌ی سوره یوسف شاهد هستیم.

۴. نویسنده بیان می‌دارد تلاش همه جانبه شده تا این دانشنامه وسیله‌ی تحقیق دیگران باشد اما این درحالی است که در این نگاشته‌ی سوره یوسف تلاش همه جانبه‌ای صورت نگرفته است و یا در یک نگاه بدبینانه نویسنده به عمد به این سوره یک رویکرد عاشقانه داشته است تا عصمت حضرت یوسف را خدشه دار کند و یا برداشتش از این سوره ناشی از اسرائیلیات و یا کتاب‌های عهدین بوده است.

۳-۲. پیشینه پژوهش

درباره‌ی نقد مداخل‌های مختلف دانشنامه اولیور لمن مقالاتی انجام شده است. آقای رضایی اصفهانی و سید مهدی اعتصامی نیز مقاله‌ای با عنوان «معرفی و بررسی دایرةالمعارف قرآن اولیور لمن» به چاپ رسانده‌اند اما تا کنون پژوهشی نسبت به نقد نگاشته‌ی سوره یوسف در این دانشنامه و ارائه‌ی رویکردی سیاسی-اجتماعی از این سوره صورت نگرفته است و مقاله از یک نوآوری برخوردار است.



۳- دیدگاه اولیورلمن درباره حضرت یوسف بر پایه‌ی نگاشته سوره یوسف دانشنامه

در مجموع، سوره یوسف تنها سوره قرآن است که در آن موضوع عشق آشکارا مطرح می‌گردد. زلیخا، همسر عزیز مصر، و یعقوب، پدر یوسف، هر دو یوسف را عاشقانه دوست دارند. اما خصیصه عشقشان بسیار متفاوت است: عشق یعقوب عمیق، خردمندانه و عاری از خودخواهی است؛ عشق همسر عزیز شدید و خشونت‌آمیز و فاقد خرد و عمقی است که یعقوب از راه تحمل درد و رنج و ترک نفس بدان رسید.

عین کلمات به کار رفته برای توصیف احساس همسر عزیز چنین است: «قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا» (سخت خاطرخواه او شد) (۱۲:۳۰). این عبارت، به شکلی معماگونه او را به مثابه قربانی زیبایی یوسف نشان می‌دهد؛ این تأثیر، بعدها در صحنه‌ای که در آن بانوان مصری با مشاهده یوسف، که دست خود را می‌برند، تأیید می‌شود: «... پس چون [زنان] او را دیدند، وی را بس شگرف یافتند و [از شدت هیجان] دست‌های خود را بریدند و گفتند: "منزه است خدا، این بشر نیست، این جز فرشته‌ای بزرگوار نیست."» (۱۲:۳۱). در مورد زن عزیز، به نظر می‌رسد که عشق نیرویی مهارناشدنی و غیرقابل مقاومت است که انسان را فرو می‌کوبد. این نیرو با تفکر بر زیبایی مطلق و الهی که در قالب مخلوق خاص دیگری (انسانی دیگر) ظهور می‌یابد، شکل می‌گیرد.

زن عزیز تا حدودی از خدا تقلید می‌کند، که در حدیث معروفی به عنوان «زیبا» و «دوستدار زیبایی» توصیف شده است. در سنت متصوفه، زن عزیز مصر را مظهر عابدان جمال می‌دانند که زیبایی الهی را در مظهر زمینی آن به تفکر می‌نشیند. برادران یوسف در مورد یعقوب می‌گویند: «... یوسف و برادرش نزد پدرمان از ما... دوست داشتنی‌ترند (أَحَبُّ إِلَيْنَا مِمَّا)» (۱۲:۸). بعد از مفقود شدن یوسف، یعقوب، از اندوه بر یوسف، بینایی خود را از دست می‌دهد. یعقوب که فقد یوسف را آزمایش الهی برای آزمودن تقوی و صبر خود می‌داند، هرگز مرگ یوسف را باور نمی‌کند. در مقابل، در ازای این شکیبایی، خدا به او شاهد روحانی عمیقی ارزانی می‌کند که با توجه به ماهیتش، می‌توان آن را بینشی «عرفانی» دانست: وقتی پسران یعقوب مصر را ترک می‌کنند، و با خود پیراهن یوسف را می‌برند، یعقوب بی‌درنگ بوی یوسف را حس می‌کند، اگر چه کاروان هنوز صدها میل با او فاصله داشت. وقتی پیغام‌رسانی که پیراهن را می‌آورد، بر او وارد می‌شود و آن را بر روی صورت یعقوب می‌اندازد، پیرمرد بینایی خود را باز می‌یابد: «چون مژده‌رسان آمد،

آن [پیراهن] را بر چهره او انداخت، پس بینا گردید...» (۹۶:۱۲).

اگر بر مبنای تأثیرات آن (شهود روحانی معصومانه و اندوه عظیم) قضاوت کنیم، عشق یعقوب به یوسف، احساسی بسیار عمیق‌تر از عشق زن عزیز به اوست: رنج‌های جدایی به عاشق خردی معنوی می‌بخشد که با صرف پرستش جمال قابل حصول نیست.

هر دو بعد این داستان (یعقوب و زن عزیز) متضمن برخی از عرفانی‌ترین آیات قرآن است. بنابراین، تقریباً از آغاز سنت تفسیری در اسلام، در معرض تلاش برای ارائه تفسیرهای نمادین قرار داشته‌اند. اما ظهور اولین تفسیرهایی که کوشیدند کل قرآن را به مثابه «کتاب عشق» بخوانند، از آغاز قرن دوازدهم م واقع شد. (لمن، ۱۳۹۳: ۳۵۴)

۴- نقد دیدگاه اولیور لمن در نگاشته سوره یوسف دانشنامه

نکته‌ای که صراحتاً نویسنده در این نگاشته بیان کرده، موضوع عشق در این سوره است. نویسنده صرفاً با کلیدواژه‌ی عشق و با زاویه‌ی دیدی عاشقانه این نگاشته را شروع کرده است و از عشق زلیخا و یعقوب به یوسف و تفاوت این دو عشق سخن گفته است. نویسنده عبارت قرآنی (قَدْ سَعَفَهَا حُبًّا) و بریدن دست‌های زنان مصری با مشاهده‌ی یوسف را تأییدی بر عشق مطلق زن عزیز مصر به یوسف دانسته است. همچنین دیدگاهش نسبت به زن عزیز مصر چنین است که نیرویی درونی زلیخا را مجذوب مخلوقی انسانی کرده است و این نیرو را غیرقابل مقاومت و مهارناشدنی می‌داند.

نویسنده با استناد به صحیح مسلم حدیثی را نقل می‌کند که زن عزیز مصر را زیبا و دوستدار زیبایی توصیف می‌کند و آن را حدیث معروفی می‌داند. سپس به دیدگاه سنت متصوفه نسبت به زن عزیز مصر اشاره می‌کند. در ادامه به داستان حضرت یوسف و اینکه یوسف از بقیه برادران نزد یعقوب محبوب‌تر است و مفقود شدن یوسف و نابینایی یعقوب در اثر این فقدان اشاره دارد. نویسنده معتقد به اعطای شهود روحانی به یعقوب در ازای شکیبایی‌اش است.

در انتها نویسنده هر دو نوع عشق زلیخا و یعقوب را متضمن عرفانی‌ترین آیات می‌داند و قائل است به اینکه از آغاز سنت تفسیری در اسلام تفسیر نمادین از قرآن شروع شده است. نویسنده قرن دوازدهم م را ظهور تفسیرهایی می‌داند که کل قرآن را به مثابه کتاب عشق قلمداد کرده‌اند. نویسنده این موارد را بدون هیچ ارجاعی ذکر کرده است.

دیدگاه اولیور لمن گرچه حاوی برخی از نکته‌های مثبت در شخصیت‌شناسی



حضرت یوسف است مثل اینکه حضرت یوسف قطعا دارای ویژگی‌های شخصیتی خوبی بوده است که باعث شده هم یعقوب و هم زلیخا او را عاشقانه دوست بدارند و البته خصیصه‌ی عشقشان متفاوت است. البته نویسنده به تمام ابعاد شخصیتی حضرت یوسف که در این سوره آمده است توجه نداشته، اما برخی از مواردی که توجه داشته مورد پذیرش جامعه‌ی مسلمان قرآنی است مانند اینکه عشق یعقوب به یوسف از جنبه‌ی عرفانی برخوردار است و استشمام بوی پیراهن یوسف از کیلومترها فاصله نمونه‌ای از این بینش عرفانی است و مورد تأیید آیات قرآن و علمای مسلمان از جمله علامه طباطبایی و بانو امین است. البته این مدخل تصویر ناقصی را از حضرت یوسف ارائه داده و آن اینکه برخی از مباحث اجتماعی و سیاسی در سوره یوسف مورد غفلت قرار گرفته است.

۴-۱. امتیازات دیدگاه اولیور لمن در نگاشته سوره یوسف دانشنامه

در این نگاشته می‌توان به نقاط مثبت زیر اشاره کرد.
یک- نثر روان و سلیس دارد. ساده‌نویسی نیز در این مدخل دیده می‌شود.
دو- این نگاشته به صورت گزارشی نگارش شده است.
سه- از گزیده‌نویسی برخوردار است.
چهار- نظم و چینش منطقی در مباحث مطرح شده در این نگاشته وجود دارد.
و نیز از مواردی که در دانشنامه اولیور لمن در نگاشته‌ی یوسف مطرح شده و مطابق برداشت صحیح قرآنی طبق مبانی اعتقادی مسلمانان است و مورد قبول نویسندگان این مقاله نیز می‌باشد می‌توان به این موارد اشاره کرد: سوره یوسف تنها سوره از قرآن است که عشق زلیخا و حضرت یعقوب به حضرت یوسف را آشکارا مطرح کرده است. زلیخا و یعقوب هر دو یوسف را عاشقانه دوست دارند. عشق یعقوب به یوسف جزو عرفانی‌ترین آیات است. احساس بوی پیراهن یوسف توسط یعقوب یکی از بینش‌های عرفانی است. یعقوب فقدان یوسف را آزمایشی الهی در جهت تقوا و صبر می‌داند.

در این راستا علمای مسلمان مانند علامه طباطبایی و بانو امین نیز نگاه عرفانی به آیات سوره یوسف را تأیید می‌کنند. نگاه عرفانی به سوره یوسف در تفسیر المیزان از متن آیات برآمده است و بر خلاف مشرب صوفیه در تفسیر عرفانی قرآن، به روایات و اسرائیلیات و ذوق‌ورزی‌هایی که قوه تخیل خواننده را خرسند می‌کند تکیه نشده است. پای بندی و سرسپردگی محض و بی‌قید و شرط مفسر به الفاظ و معانی آیات قرآن و مراعات دقیق و توأم با وسواس تقوای دینی و علمی، مهمترین ویژگی علامه در تفسیر این سوره است. علاوه بر توجه به برخی روایات

درباره‌ی این سوره، به نکات عرفانی‌ای چون معرفت نفس و معرفت حق، توحید خالص، حقیقت ریاضت، محبت، طریق بندگی و ریاضت اشاره شده است. علامه در تفسیر داستان یوسف، خوف و رجا و حب را سه ویژگی اصلی این سوره دانسته است. (همان: ۲۰ و نیز بنگرید به طباطبایی، المیزان، ۱۳۷۴، ج ۱۱)

براساس دیدگاه صاحب تفسیر مخزن العرفان در داستان حضرت یوسف دو گونه عشق هست: یکی عشق زلیخا به یوسف و یکی عشق یوسف به خدا. در حالی که در این دانشنامه دو گونه عشق را یکی عشق زلیخا به یوسف و دیگری عشق یعقوب به یوسف را دانسته است.

بانوان مصر عاشق و دل‌باخته‌ی یوسف هستند؛ اما نمی‌دانند و نتوانند بدانند که این جوان کنعانی هم عاشق است و عشق او از عشق آنان بسی سوزنده‌تر و جاذبه‌ی معشوق وی بسیار قوی‌تر است و در همین حال که آنان سخنان فریبنده می‌گویند، او در حال جذب است و جان و عقلش به سوی دیگری مجذوب گشته و آهنگ غیبی و ملکوتی قلب و روانش را سخت مشغول کرده است (امین، ۱۳۶۱، ۳۶۸/۶).

(وَمَا أُبَرِّئُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالشُّوءِ إِلَّا مَرْحَمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ) ظاهراً در اینجا یوسف خواسته در مقام شکرگزاری، اظهار کوچکی و حقارت نفس خود و کرم و بخشش پروردگار خود را بنماید... از اینجا تا اندازه‌ای از آن مقام بلند حضرت یوسف و آن مرتبه‌ی قدس و درجه‌ی نبوت و توکل و بردباری او ظاهر می‌گردد (همان، ۳۸۸/۶).

مفسر دلیل عشق یعقوب به یوسف را چنین بیان کرده است:

آن اندازه‌ای که بتوانیم مقام آن بزرگواران را بشناسیم، این است که معرفت حق تعالی چنان در اعماق قلبشان فرو رفته که محلی برای غیر باقی نگذاشته. هر چه بینند آن را به حق بینند، به حق گویند، به حق شنوند و به حق عمل کنند و چون موجودات هر یک در مرتبه‌ی خود مظهر و نماینده‌ی اوصاف الهی می‌باشند. این است که گوئیم شاید محبت مفرط یعقوب نسبت به یوسف نه از جهت جمال صوری او و نه از جهت فرزندگی او و نه از جهت کمالات نفسانی و طبیعی او بوده؛ بلکه می‌توان گفت چون یوسف مظهر و نماینده‌ی بعضی از اوصاف جمال و جلال الهی از حسن معنوی و جمال حقیقی که یعقوب در جمال و کمال یوسف مشاهده می‌نمود و در او آینه مانند بعض از اوصاف الهی را می‌نگریست این بود که شیفته‌ی او شده و بی‌او آرام نداشت. اگر فقط جمال صوری یوسف یا محبت طبیعی او را این طور شیفته گردانیده، برادرها هم جمال او را می‌دیدند



و همچون برادر بودند تا اندازه‌ای محبت طبیعی بینشان بوده چطور بی‌رحمانه با او عمل نمودند؟ اگر آن‌ها نیز به چشم یعقوب او را می‌دیدند او را از جانشان بیشتر دوست می‌داشتند و هرگز این طور ظلم و اذیت نسبت به او روا داشتند (همان، ۳۳۸/۶).

۴-۲. کاستی‌های دیدگاه اولیورلمن در نگاشته سوره یوسف دانشنامه

سوره یوسف دارای بسیاری از مضامین و مباحث اجتماعی است که به برخی از آن‌ها به عنوان اخبار و برخی دیگر با رویکرد انشائی اشاره شده است. برخی از این مضامین حاوی نوع برخورد و رویکردی است که افراد جامعه می‌توانند با یکدیگر داشته باشند و مبنایی برای ارتباط میان افراد است. از سوی دیگر این سوره مناسبات اجتماعی در دو جامعه کنعانی و جامعه مصری را بیان می‌کند و اشکالات و ویژگی‌های آن را بیان نموده و از آن می‌توان به رویکرد صحیح اجتماعی رسید و یا در بین آیات، با استفاده از عبارات مطرح شده به برخی ویژگی‌های مدیران سیاسی اشاره دارد و اینکه چگونه می‌باید از میان مدیران، به گزینش و انتصاب مدیر توجه نمود.

در این بخش از پژوهش برای نمونه به برخی از مضامین سیاسی-اجتماعی در راستای نقد رویکرد دانشنامه لمن به نگاه عاشقانه صرف این دانشنامه به نگاشته‌ی یوسف اشاره می‌نماییم و بحث‌های مبسوط در خصوص مضامین اجتماعی و سیاسی در سوره یوسف را به پژوهش‌های دیگری واگذار می‌نماییم. سوره‌ی یوسف می‌تواند اشاره به ساختار قدرت کند: ۱- در جامعه‌ی کنعانی؛ ۲- در جامعه مصر

۱- در جامعه‌ی کنعانی

یکی از موضوعاتی که در مباحث سوره یوسف قابل توجه است، جایگاه مناسبات قدرت اجتماعی و انواع متفاوت و نگاه‌های گوناگون به آن است. در حقیقت نگاه به قدرت و منشأ آن همواره یکی از موضوعات مورد بحث در مباحث نظریه پردازان علوم اجتماعی بوده و درباره آن بحث‌های مختلفی صورت پذیرفته است.

در سوره یوسف از میان آیات این سوره مطالب جالب توجهی را می‌توان به عنوان رویکرد قرآن به مقوله قدرت و انواع آن و رابطه آن با دیگر مقولات دانست که این مطالب در دانشنامه لمن مغفول مانده است و از این منظر می‌توان به نقد این دانشنامه پرداخت.

در این نوشتار بصورت مختصر و اشاره‌وار به برخی از این مطالب صرفاً برای تأیید نقص دانشنامه لمن اشاره می‌نماییم و بحث مبسوط در این زمینه را به نوشتار دیگری واگذار می‌نماییم.

در آیه ۸ سوره یوسف از زبان برادران حضرت یوسف مطلبی بیان شده که می‌توان با نگاهی عمیق نشان دهنده رویکرد جامعه کنعانی آن زمان به مقوله قدرت باشد. در این آیه ابتدا برادران حضرت یوسف ادعا می‌نمایند که ما قدرت و برتری بیشتری داریم در حالی که یوسف مورد توجه پدر ما است. «نحن عُصَبَه» در این عبارت به معنی قدرت و زور بازوی بدنی و ظاهری است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق: ۵۶۸)، لذا در این آیه به نوعی نگاه جامعه کنعانی را به مقوله قدرت بیان می‌نماید و حتی اگر کسی با این رویکرد مخالفت داشته باشد و قدرت را از مقوله دیگری تعریف نماید، او را در گمراهی می‌دانند. به عبارت دیگر در جامعه کنعانی قدرت و زور اولویت دارد.

از این منظر است که در پایان آیه برادران یوسف علاوه بر اینکه نگاه خود را به مقوله قدرت درست می‌دانند و بر آن تأکید می‌نمایند، در پایان آیه با آوردن عبارت (إِنَّ أَبَانَا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ) برادران یوسف دیدگاه پدر خود را در مقوله قدرت نقد می‌کنند. در واقع از آیه اینگونه استنباط می‌شود که برادران حضرت یوسف، آنقدر بر این تئوری تمرکز قدرت بر زور بازوی فردی تأکید دارند، که پدر خود را در گمراهی می‌دانند و معتقدند رویکرد پدر آن‌ها که توجهی کم‌تری به زور بازو دارد نگاه اشتباه و گمراهی است.

۲- در جامعه مصر

در آیه ۲۲ سوره مبارکه یوسف خداوند به عطای علم به حضرت یوسف اشاره می‌نماید و می‌فرماید (ءَاتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا) از این آیه و دیگر آیاتی که به موضوع علم در حضرت یوسف اشاره می‌نماید اینگونه استنباط می‌شود که قدرت از نگاه قرآن با مقوله دیگری ارتباط دارد و آن علم است.

در حقیقت برخلاف دیدگاه برادران حضرت یوسف قرآن مقوله قدرت و علم را با هم مرتبط می‌داند و در آیه ۵۵ سوره یوسف در زمانی که حضرت یوسف خزانه داری را قبول می‌نماید به همین نکته به عنوان قدرت خودش اشاره می‌نماید و می‌فرماید: (إِنِّي حَفِظْتُ عَلِيمٌ) (یوسف/۵۵).

در حقیقت در زبان حضرت یوسف که با دیدگاه قرآن مطابقت دارد، موضوع علم را سرمنشأ قدرت می‌داند و نه صرفاً زور بازو. بر این اساس در جامعه مصر چه بسا استبداد و انتصاب‌های بدون ملاک وجود داشته است. در حقیقت دو نگاه



متفاوت به مقوله قدرت و سرمنشأ آن در سوره یوسف ذکر شده و با ظرافت مطالبی که در قرآن آمده، به اثبات یک دیدگاه و نقد دیدگاه دیگر پرداخته شده است که این نوع رویکرد از نگاه اولیور لمن مغفول مانده و نگاه کاملاً عاشقانه به سوره یوسف داشته است و از این منظر نگاه او به سوره یوسف را می‌توان نقد نمود. یکی دیگر از مقوله‌هایی که به عنوان نمونه برای نقد دیدگاه یکجانبه نگری دانشنامه لمن و طرح مباحث اجتماعی در سوره یوسف می‌توان اشاره نموده، موضوع ملاک انتخاب حاکم و کارگزار سیاسی است که در آیه ۵۵ این سوره آمده است. البته برخی از نویسندگان و مفسران به این موضوع بصورت مبسوط اشاره نموده‌اند.

قرآن می‌گوید: «و ملك دستور داد او را نزد من آورید، تا او را مشاور و نماینده مخصوص خود سازم» و از علم و دانش و مدیریت او برای حل مشکلاتم کمک گیرم (وَقَالَ الْمَلِكُ أَتُونِي بِهِ أَتَحْلِضُهُ لِنَفْسِي) (یوسف/۵۴).

یوسف به نزد ملك آمد و با او به گفتگو نشست «هنگامی که ملك با وی گفتگو کرد (و سخنان پرمغز و پرمایه یوسف را که از علم و هوش و درایت فوق العاده‌ای حکایت می‌کرد شنید، بیش از پیش شیفته و دل‌باخته او شد و) گفت: تو امروز نزد ما دارای منزلت عالی و اختیارات وسیع هستی و مورد اعتماد و وثوق ما خواهی بود» (فَلَمَّا كَلَمَهُ قَالَ إِنَّكَ الْيَوْمَ لَدَيْنَا مَكِينٌ أَمِينٌ) (یوسف/۵۴).

در آیه‌ی ۵۵ می‌فرماید تو باید امروز در این کشور، مصدر کارهای مهم باشی و بر اصلاح امور همت کنی، یوسف پیشنهاد کرد، خزانه‌دار کشور مصر باشد و «گفت: مرا در رأس خزانه‌داری این سرزمین قرار ده چرا که من هم حافظ و نگهدار خوبی هستم و هم به اسرار این کار واقفم» (قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ).

یوسف می‌دانست يك ریشه مهم نابسامانی‌های آن جامعه مملو از ظلم و ستم در مسائل اقتصادی نهفته است، اکنون که آن‌ها به حکم اجبار به سراغ او آمده‌اند، چه بهتر که نبض اقتصاد کشور مصر، مخصوصاً مسائل کشاورزی را در دست گیرد و به یاری مستضعفان بشتابد، از تبعیض‌ها تا آنجا که قدرت دارد بکاهد، حق مظلومان را از ظالمان بگیرد، و به وضع بی‌سر و سامان آن کشور پهناور سامان بخشد. ضمناً تعبیر «إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ» دلیل بر اهمیت «مدیریت» در کنار «امانت» است و نشان می‌دهد که پاکی و امانت به تنهایی برای پذیرش يك پست حساس اجتماعی کافی نیست بلکه علاوه بر آن آگاهی و تخصص و مدیریت نیز لازم است. (بابایی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص: ۴۳۰)

آیه ۵۵ این سوره از زبان حضرت یوسف بیان شده که خطاب به حاکم می‌فرماید: «إِنِّي خَفِيطٌ عَلِيمٌ». اندیشمندان و برخی مفسران در موضوع انتخاب کارگزاران به موضوع ظریفی با استنباط از این آیه ۵۵ و ۵۴ اشاره نموده‌اند. از جمله حضرت آیت الله جوادی آملی بحث مبسوطی را در این زمینه به استناد دو آیه مذکور مطرح نموده‌اند (ر.ک جوادی آملی: ۱۳۷۸، در ذیل آیه) و مرحوم علامه طباطبایی نیز در این زمینه بحثی را با اشاره به آیات مذکور دارند که خلاصه آن به شرح ذیل می‌باشد.

در آیه ۵۴ آمده است که (فَلَمَّا كَلَّمَهُ قَالَ إِنَّكَ الْيَوْمَ لَدَيْنَا مَكِينٌ أَمِينٌ)؛ پادشاه گفت: «او را نزد من آورید، تا وی را مخصوص خود گردانم» هنگامی که (یوسف نزد وی آمد و) با او صحبت کرد، (پادشاه به عقل و درایت او پی برد و) گفت: «تو امروز نزد ما جایگاهی والا داری، و مورد اعتماد هستی» (یوسف/۵۴) در واقع قرآن از زبان پادشاه مصر، دو ویژگی حضرت یوسف را بیان می‌کند: ۱- مکین ۲- امانتدار (ر.ک محمد حسین طباطبایی: ۱۳۷۴، ۲۷۳/۱۱)

صاحب التحقیق در معنای واژه‌ی مکین آن را از مکن به معنای استقرار همراه با قدرت می‌داند و از آثار آن عظمت و بزرگی، سلطنت و قدرت را ذکر می‌کند (مصطفوی، ۱۴۳۰ق: ۱۱/۱۵۰). مکین به معنای مقام و منزلت عالی همراه با قدرت است. یعنی شخص، دارای مقام والا مرتبه‌ای است که قدرت بر انجام امور را دارد. سپس حضرت یوسف، با توجه به توانایی‌های خود، پیشنهادی به پادشاه ارائه می‌کند؛ ایشان از پادشاه می‌خواهد او را مسئول خزانه‌داری و امور مالی کشور گرداند: (قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ)؛ (یوسف) گفت: «مرا سرپرست خزائن سرزمین (مصر) قرار ده» (یوسف/۵۵).

و برای این کار به دو ویژگی مهم اشاره می‌کند؛ دو ویژگی‌ای که نشان از صلاحیت و شایستگی ایشان برای تصدی این پست کلیدی دارد:

(إِنِّي خَفِيطٌ عَلِيمٌ)؛ که نگهدارنده و علیم هستم (یوسف/۵۵)

بر طبق آیه شریفه، یک حاکم بر دیدگاه قرآن باید، هم باید پاکدست و درستکار باشد و هم دانا و علیم؛ یعنی تعهد در کنار تخصص. هر کدام از این دو ویژگی اگر در یک مسئول (بخصوص در رده‌های بالای حکومتی) نباشد، کشور دچار مشکل می‌گردد؛ اگر مسئولی، متعهد باشد ولی تخصص و علم کافی برای تصدی مسئولیت نداشته باشد، با تصمیمات نادرست، بیت‌المال را هدر می‌دهد و کشور را به چالش می‌کشانند همچنین اگر تخصص داشته باشد ولی انسان پاکدست و



درستکاری نباشد، همان اتفاقی را شاهد خواهیم بود که هر از چند گاهی، خبر آن را می‌شنویم یعنی دزدی، اختلاس، رشوه و ... اتفاقاتی که موجب سلب اعتماد مردم از حکومت اسلامی می‌شود. بنابراین هر دو شرط باید در یک مسئول حکومتی باشد.

مرحوم علامه طباطبایی درباره این سخن حضرت یوسف که فرمود (إِنِّي خَفِیْطٌ عَلِیْمٌ)، می‌نویسد این دو صفت از صفاتی است که داوطلب تصدی چنین پستی، باید آن را داشته باشد وگرنه صلاحیت تصدی چنین مقامی را ندارد. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۷۴/۱۱) برخی از مفسرین از مجموع دو وصفی که پادشاه از یوسف علیه‌السلام بیان کرد: «مَکِیْنٌ، اَمِیْنٌ» و دو صفتی که حضرت یوسف برای خود بیان نمود: «خَفِیْطٌ، عَلِیْمٌ»، چهار ویژگی اوصاف کارگزاران شایسته را بیان می‌کنند: قدرت (بر انجام امور)، امانت، پاسداری (پاکدستی) و تخصص.

هر چند مباحثی که بصورت خلاصه اشاره شد نیاز به بحث مبسوطی دارد اما هدف از طرح آن‌ها نقد دانشنامه لمن بود که بصورت یکجانبه و بدون تعمق در آیات صرفاً به مباحث ظاهری قرآن پرداخته است.

به طور کلی نقاط ضعف این نگاشته شامل موارد زیر است:

- نویسنده‌ی مدخل مطالبی که ذکر کرده را به صورت شتابزده بیان کرده و مطالب را سربسته بیان کرده و حق مطلب را ادا نکرده است. باز نکردن مطالب گاه می‌تواند نشان از تعصب نویسنده در ادعای خویش باشد و یا عدم آگاهی کافی وی در زمینه‌ای که به بیان آن پرداخته است و یا پیش‌زمینه‌ی ذهنی وی در آن مسأله باشد.

- در این نگاشته نویسنده فقط به آیات قرآن و یکی از منابع اهل سنت - صحیح مسلم - استناد کرده است و دیگر هیچ استناد علمی در این نگاشته مشاهده نمی‌شود. این عدم ارجاع‌دهی در جامعه‌ی علمی قابل پذیرش نیست. مانند قسمتی که به سنت متصوفه اشاره کرده اما استنادی نداده است.

- استدلال‌های نویسنده در ادعای اینکه سوره یوسف رویکردی عاشقانه دارد کافی نیست و یکجانبه است و توجهی به دیگر آیات این سوره نداشته است و صرفاً توجه نویسنده به مجذوب شدن زلیخا به حضرت یوسف است و یا علاقه‌ی وافر یعقوب به حضرت یوسف. این درحالی است که سایر آیات این سوره خبر از رویکرد سیاسی - اجتماعی این سوره و مدیریت خوب حضرت یوسف می‌دهد. این مهم چیزی است که از نگاه نویسنده و حتی دیگر کسانی که تصویری عاشقانه از این سوره دارند مغفول مانده است.

- نویسنده داستان را به صورت خیلی خلاصه مطرح کرده و تنها به قسمت عشق بین زن عزیز مصر و یعقوب نسبت به یوسف اشاره کرده و نسبت به سوره‌ی یوسف در قرآن و آیات آن به دیگر جنبه‌های این داستان و غرض اصلی برخاسته از این سوره در قرآن کریم نپرداخته و صرفاً آن را عاشقانه و عرفانی تلقی کرده است. درحالی که از منظر قرآن و نگاهی واقع بینانه این سوره فقط مظهر عشق نبوده و حتی رویکردی سیاسی-اجتماعی دارد یعنی رویکردی که از نظر نویسنده پنهان بوده است. پیداست نویسنده با یک پیش فرض و ذهنیت قبلی به سراغ آیات این سوره رفته و پیش فرض خود را اعمال کرده است.

- نویسنده مجذوب شدن و عشق را مهارناشدنی و غیرقابل مقاومت دانسته است. درست است که زلیخا مجذوب حضرت یوسف می‌شود اما نویسنده نقش عقل، اختیار و تقوا را در نظر نداشته است و به گونه‌ای این عشق را شبیه افسانه‌های عاشقانه بیان کرده است. اهتمام نویسنده این بوده است که سوره‌ی یوسف در قرآن را سوره‌ای عاشقانه نشان دهد.

اما در منابع اسلامی که با رویکرد عرفانی به تفسیر سوره یوسف پرداخته‌اند به گونه‌ی دیگری متفاوت از این نگاشته‌ی دایرةالمعارف اولیور لمن پرداخته‌اند. تفاسیر عرفانی را از نظر توجه به مسائل عرفانی، می‌توان به دو دسته: تفاسیر قبل از ابن عربی و تفاسیر بعد از ابن عربی تقسیم کرد.

تفاسیری که قبل از ابن عربی نوشته شده‌اند، بیش‌تر به جنبه‌های زهد و ترک دنیا، توجه به جهان آخرت و عشق به خداوند و بازگشت به سوی او توجه داشته‌اند. مفسران برای بیان این مطالب در این تفاسیر، بیشتر به روایات، سخنان صحابه و تابعین و عارفان قرون پیشین نظر داشته‌اند.

تفاسیر پس از ابن عربی: گرایش از جنبه‌های زهد به جنبه‌های فلسفی و به ویژه نمادهای عرفانی در تفسیر ابن عربی کاملاً آشکار است. در این تفسیر، هر کدام از شخصیت‌ها مدلولی نمادین دارند. پیراهن یوسف، زندان مصر و... هر کدام با تأویل‌های نمادینی که از اندیشه‌ی وحدت وجود ابن عربی سرچشمه گرفته، تأویل شده است. این روش در تفاسیر بعد از ابن عربی بسیار مورد توجه مفسران قرار گرفته است؛ به گونه‌ای که تقریباً تمام تفاسیر عرفانی بعد از او به این جنبه‌های نمادین توجه داشته‌اند. در این تفاسیر علاوه بر جنبه‌های نمادپردازی که تحت تأثیر عرفان ابن عربی است، به روایات و اسرائیلیات هم بسیار توجه شده است. جنبه‌های عرفانی در برخی از این تفاسیر بیشتر و در برخی کمتر است. برای نمونه، در تفسیر کشف الارواح و تفسیر صفی به مراتب سیر و سلوک و عناصر



عرفانی توجه خاصی شده است؛ ولی در معراج السعادة چندان به جنبه‌ی تأویلی و عرفانی آیات پرداخته نشده و به جز چند صفحه‌ای در عشق و حبّ (در تفسیر آیات مربوط به یوسف و ماجرای او با زلیخا) چندان به جنبه‌های عرفانی تأکید نشده و بیشتر معنا مورد توجه مفسر بوده است. (پروینی، ۱۳۸۹: ۱۹ و نیز بنگرید به صفیعلی‌شاه، ۱۳۷۸)

نتایج مقاله

۱- دانشنامه اولیورلن موضوع سوره یوسف را یک موضوع کاملاً عاشقانه و به دور از مضامین دیگر آورده که نشان از عدم درک صحیح نویسنده‌ی این نگاشته از این سوره بوده است.

۲- نویسنده در بحث از سوره به بسیاری از مطالبی که با مضامین سیاسی و اجتماعی حول محور این سوره مطرح شده توجه ننموده است.

۳- با نظر در آیات ۵۴ و ۵۵ سوره یوسف چنین برداشت می‌شود که این سوره نه تنها یک رویکرد عاشقانه‌ی صرف نیست بلکه ماجرای عشق زلیخا به یوسف یک جنبه‌ی جزئی به خود می‌گیرد. با در نظر گرفتن اینکه حضرت یوسف در جایگاه یک نبی است وظایفی که بر عهده‌ی یک نبی است جنبه‌ی سیاسی- اجتماعی به خود می‌گیرد. مردم زمان آن نبی نیز باید شاهد حضور و برکات وجودی آن نبی باشند و از آن برخوردار باشند. دو آیه‌ی ۵۴ و ۵۵ سوره یوسف برکات وجودی حضرت یوسف را نشان می‌دهد که برای جامعه‌ی آن روز خویش چه تدابیر و محسناتی داشته است. حضرت یوسف در جایگاه یک نبی، فردی «مکین» و «امین» بوده و به این دو ویژگی شناخته شده است و براساس این دو ویژگی مسئولیت خزانة داری و امور مالی به ایشان واگذار شده است.

۴- در مجموع به نظر می‌رسد که در این دانشنامه موضوع یوسف و مدخل مورد نظر، نگاهی متأثر از کتب دیگر و یا اسرائیلیات داشته و در بررسی این مدخل از منابع شیعی نیز کمتر بهره گرفته است. در واقع خواننده مدخل یوسف در این دانشنامه در صورت اکتفا به این دانشنامه برای شناخت مدخل یوسف، از مسیر اصلی فهم این سوره منحرف می‌شود و این بخش نیازمند بازنگری اساسی است.

۵- به نظر می‌رسد تبیین بیش‌تر و نشر بیش‌تر این موارد اجتماعی از سوره‌ی یوسف در بین جوامع مختلف لازم است تا موجب تغییر تصویر فی‌البداهه اذهان عمومی و حتی جهانی شود تا با شنیدن سوره یوسف اذهان به سمت مدیریت و کارگزاری حضرت رود تا عشق زلیخا به یوسف. چرا که صرف رویکرد عاشقانه جفا



در حق جایگاه والای نبی خدا خواهد بود.
 ۶- سوره‌ی یوسف طبق آیات می‌تواند دارای ساختار قدرت در دو جامعه‌ی کنعانی و مصری باشد. در جامعه کنعانی قدرت و زور اولویت دارد و در جامعه مصر استبداد و انتصاب‌های بدون ملاک وجود داشته است.



منابع و مأخذ

- قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۴).
۱. ابن عربی، (بی تا)، «تفسیر القرآن الکریم»، تحقیق: مصطفی غالب، تهران: ناصرخسرو.
 ۲. امین، سیده نصرت (۱۳۶۱)، «مخزن العرفان در تفسیر قرآن»، تهران: نهضت زنان مسلمان.
 ۳. بابایی، احمد علی (۱۳۸۲ش)، «برگزیده تفسیر نمونه»، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ سیزدهم.
 ۴. پروینی، خلیل (۱۳۸۹)، دسپ، سید علی: «رویکرد عرفانی به داستان حضرت یوسف (ع) در تفاسیر عرفانی»، نشریه ادبیات عرفانی، شماره ۳، صص ۱-۲۳.
 ۵. پیرجمالی اردستانی، (۱۳۸۷)، «کشف الارواح (تفسیر عرفانی سوره یوسف)»، تصحیح طاهره خوشحال دستجردی، اصفهان: کنکاش.
 ۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸)، «تفسیر تسنیم»، قم: مرکز نشر اسراء.
 ۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۶ق)، «مفردات الفاظ القرآن»، بیروت: دارالشامیه.
 ۸. رضایی اصفهانی، محمد علی (۱۳۸۸) و سید مهدی اعتصامی: «معرفی و بررسی دائرةالمعارف قرآن اولیورلن»، مجله قرآن پژوهی خاورشناسان، ش ۷، صص ۲۹-۷۰.
 ۹. صفیعلیشاه، حسن بن محمد باقر (۱۳۷۸ش)، «تفسیر صفی»، تهران: انتشارات منوچهری، چاپ اول.
 ۱۰. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴)، «المیزان فی تفسیر القرآن»، مترجم: سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.
 ۱۱. لمن، اولیور (۱۳۹۳)، «دانشنامه قرآن کریم»، مترجم: محمد حسین وقار، تهران: انتشارات اطلاعات، چاپ دوم.
 ۱۲. مصطفوی، حسن (۱۴۳۰ق)، «التحقیق فی کلمات القرآن الکریم»، بیروت: دارالکتب العلمیه.

References

- The Holy Quran, translated by Makarem Shirazi, Nasser (1384).
1. Ibn-Arabi, (Baita), "Tafsir al-Qur'an al-Karim", research: Mustafa Ghalib, Tehran: Nasser Khosro.
2. Amin, Seyyedeh Nurat (1361), "Makhzn al-Irfan in Tafsir Qur'an". Tehran: Muslim Women's Movement.
3. Babaei, Ahmad Ali (1382), "Selected Tafsir Nasheon", Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiya, 13th edition.
4. Parvini, Khalil (1389), Desp, Seyyed Ali: "A mystical approach to the story of Prophet Yusuf (PBUH) in mystical interpretations", Esfani literature magazine, number 3, pp. 1-23
5. Pirjamali Ardestani, (1387), "Kashf al-Arawah (mystical interpretation of Surah Yusuf)", edited by Tahira Khushal Dashtjardi, Isfahan: Konkash.
6. Javadi Amoli, Abdullah (1378), "Tafsir Tasnim", Qom: Isra Publishing Center.
7. Ragheb Esfahani, Hossein bin Muhammad (1416 AH), "Vocabulary of the Qur'an", Beirut: Dar al-Shamiya.
8. Rezaei Esfahani, Mohammad Ali (2008) and Seyyed Mehdi Etisami: "Introduction and review of Oliver's Koran encyclopedia", Journal of Qur'an - Orientalist Studies, Vol. 7, pp. 29-70.
9. Safi Alishah, Hassan bin Mohammad Baqir (1378), "Tafseer Safi", Tehran: Manochchri Publications, first edition.
10. Tabatabaei, Seyyed Muhammad Hossein (1374), "Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an", translator: Seyyed Mohammad Baqir Mousavi Hamdani, Qom: Islamic Publications Office of the Qom Seminary Community, fifth edition.
11. Lehman, Oliver (2013), "Encyclopedia of the Holy Quran", translator: Mohammad Hossein Waqar, Tehran: Information Publications, second edition.
12. Mostafavi, Hassan (1430 A.H.), "Research on the words of the Holy Qur'an", Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya.